



دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

عنوان رساله:

اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی با دول غیرمسلمان

نگارش:

مهدی موحدی نیا

استاد راهنما:

دکتر علی مظهر قراملکی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد حسینی

رساله جهت اخذ درجه دکتری

در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

پاییز ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

عنوان رساله:

اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی با دول غیرمسلمان

نگارش:

مهدی موحدی نیا

استاد راهنما:

دکتر علی مظهر قراملکی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد حسینی

رساله جهت اخذ درجه دکتری

در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

پاییز ۱۳۹۶

ب



به نام خدا
دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گواهی دفاعیه رساله دکتری تخصصی

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی، هیات داوران جلسه دفاعیه رساله مقطع دکتری آقای مهدی موحدی نیا به شماره دانشجویی: ۴۲۰۵۹۰۰۵۷ رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی در تاریخ: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

با عنوان: «اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی با دول غیر مسلمان»
و درجه: خیلی خوب ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما اول	آقای دکتر علی مظهر قراملکی	استاد		
۲	استاد راهنما دوم	-----			
۳	استاد مشاور اول	آقای دکتر سید محمد حسینی	دانشیار		
۴	استاد مشاور دوم	-----	--		
۵	استاد داور داخلی اول	آقای دکتر سید محمد رضا امام	دانشیار		
۶	استاد داور داخلی دوم	آقای دکتر محمد اسحاقی	استادیار		
۷	استاد داور خارجی اول	آقای دکتر نقیبی	دانشیار		
۸	استاد داور خارجی دوم	آقای دکتر محمد باقر خرم شاد	استاد		
۹	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده	آقای دکتر سید محمد رضا امام	دانشیار		

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

تقدیم به:

همسر فدکار و مهربانم که با قلب سرشار از عشق و معرفت، همواره با تحمل تمام سختیهای پیش رو، صبورانه محیط

سرشار از آرزویش و آسایش فراهم نموده تا اسباب تحصیل و کمال اینسبیب میسر گردد

و به دو فرزند دلبندم که به حق نعمت و رحمت شایسته لاسر بوده و نبض زندگیشان به وجود نازنینسبیبها مرتبند

لاسرا! به منسبیبک کسرتا بتولنم صادقانه، لالای دینسبیب کرده و به خواستههای به حق منسبیب، جامه عل پوشانم.

پروردگار لا حسرت عاقبت، سلامت و سعادت لالای برای تمام اینسبیب عزیزان، مقدر فرما و توفیق بندگسبیب، اطاعت و

خدمت خالصانه در جهت تعالیر و شکوفایسبیب لالای، لاسلامر به بکسبیب معنیت فرما.

آمین

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس آفریدگاری که ما را به کسب علم و کمال و معرفت خویش رهنمون ساخت و سینه دوستانش را مخزن اسرار خودساخته و درود وافر بر جان پاکیزه سرور کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) و بر همه اولاد و پیروان او باد.

بر خود فرض می‌دانم و نیز شایسته است از کلیه استادان فرهیخته‌ای که در طول دوران تحصیل توفیق شاگردی ایشان را داشته و زمینه ارتقای علمی این‌جانب را فراهم نموده‌اند و همچنین تمامی بزرگوارانی که در به ثمر رسیدن این اثر به نحوی مؤثر بوده و کریمانه زحماتی را متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم؛ به‌ویژه از الطاف و رهنمودهای ارزنده اساتید محترم راهنما و مشاور؛ سروران ارجمندم جناب آقای دکتر علی مظهر قرا ملکی و جناب آقای دکتر سید محمد حسینی که با وجود ضیق وقت، عالمانه قبول زحمت فرموده و حقیر را مرهون منت خویش قرار داده و زحمت راهنمایی و مشاورت این رساله را پذیرفته و راهگشای نگارنده در اتمام و اکمال موضوع بوده‌اند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

همچنین پیشاپیش مراتب قدردانی و سپاس خویش را نسبت به اساتید محترم داور اعلام می‌دارم و از اینکه دوران کوتاهی از حیات پربار تحصیلی خود را در خدمت شما استادان بزرگوار بوده‌ام، بر خود می‌بالم و همواره خداوند سبحان را شاکر و سپاس‌گزار هستم.

چکیده:

یکی از ابزارهای مهم تعامل و دیپلماسی دول مسلمان با جامعه‌ی جهانی خصوصاً دولت‌های غیرمسلمان، مسئله مذاکره منطبق با اصول و قواعد فقه اسلامی است و امروزه از مسائل چالشی فرا روی دولت اسلامی مسئله رفع اختلافات و نزاع‌های سیاسی و اقتصادی و... در عرصه بین الملل، از طریق مذاکره است. آنچه در این زمینه با خلأ پژوهشی مواجه هستیم تبیین گستره مذاکره و نحوه آغاز، انجام و پایان آن بر اساس اصول و قواعد فقه اسلامی است. از این رو هدف رساله پیش‌رو، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی، بازخوانی و تبیین اصول و قواعد فقه حاکم بر مذاکره با تأکید بر دیدگاه فقهی تکلیف‌گرایانه است. نتایج پژوهش مبین این است مذاکره مصطلح سیاسی و حقوقی به معنای امروزی با ادبیات سیاسی پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) علیرغم انطباق کلی دارای تفاوت‌هایی است. مشروعیت و حکم جواز مذاکره با دول غیرمسلمان در فقه اسلامی، مربوط به شرایط عادی و متعارف است نه مربوط به شرایط و مقاطع خاص اضطراری. از این رو مذاکره جزو عناوین اولی و حکم ضروری است نه حکم ثانوی یا حکومتی اضطراری. در فقه اسلامی برای جهت‌دهی به مذاکرات، اصول و قواعد راجع به محتوا و شکل وجود دارد. از جمله اصول و قواعد فقه مذاکره عبارت‌اند از: اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت، اصل وفای به عهد، اصل حفظ نظام، قاعده نفی سبیل، قاعده میسور، قاعده صلح، قاعده لزوم، قاعده تراحم، قاعده دفع افسد به فاسد، قاعده ضرورت و اضطرار، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده لا ضرر، قاعده مقابله به مثل، قاعده تولی و تبری، قاعده تقیه و قاعده الزام و... برخی از این اصول و قواعد بنیادین فقه، حکم اسناد بالادستی را دارند که به هیچ وجه در فرآیند مذاکرات با دولت‌های غیرمسلمان قابل چانه‌زنی و معامله نیست؛ و نباید به عنوان امتیاز به طرف مقابل واگذار گردد. این دسته از اصول و قواعد فقه سطح محکم و فعال بودن (نه منفعل بودن) را در مذاکره روشن می‌کند و نباید کوچک‌ترین عقب‌نشینی از آن‌ها در فرآیند مذاکرات با دول غیرمسلمان شود. این اصول و قواعد فقه عبارت‌اند از «اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت»، قاعده نفی سبیل و قاعده تناسب. اصل مذاکره فعال بر اساس قاعده نفی سبیل ریشه در دیدگاه تکلیف‌گرایانه در فقه دارد. پس از انجام مذاکرات دولت اسلامی باید در برابر کارشکنی و نقض نتایج مذاکره از سوی طرف مذاکره آمادگی کافی برای مقابله به مثل را داشته باشد و تضمینات لازم را از طرف مقابل نسبت به مواد معاهده ناشی از انجام مذاکرات را اخذ نماید تا از منافع ملی و مصالح اسلامی صیانت شود.

واژگان کلیدی: مذاکره، قواعد فقه، اصول مذاکره، عزت، حکمت، مصلحت

فهرست اجمالی

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات، مفاهیم و پیشینه تاریخی مذاکره.....	۷
مبحث اول: تبیین مفاهیم تحقیق.....	۸
نتایج فصل اول.....	۳۶
فصل دوم: تحلیل شرایط و روش‌های مذاکره.....	۳۷
مبحث اول: شرایط شکلی مذاکره با دول غیرمسلمان.....	۳۸
مبحث دوم: اثر اسلامی یا غیر اسلامی بودن طرف مذاکره‌کننده بر شیوه مذاکره.....	۶۵
مبحث سوم: کیفیت مذاکره از منظر پیامبر اسلام(ص).....	۷۷
نتایج فصل دوم.....	۸۲
فصل سوم: شرایط، راهبردها و شاخصه‌های فقهی مذاکرات از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه‌ای.....	۸۳
مبحث اول: شرایط مذاکره با دول غیرمسلمان از دیدگاه امام خمینی (ره).....	۸۴
مبحث دوم: بررسی تأثیر دیدگاه تکلیف‌گرایی بر مذاکرات.....	۹۱
مبحث سوم: شرایط و شاخصه‌های مذاکره جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری.....	۱۰۲
نتایج فصل سوم.....	۱۱۵
فصل چهارم: تحلیل اصول بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره.....	۱۱۶
مبحث اول: اصول بنیادین سه‌گانه حاکم بر مذاکره.....	۱۱۷
مبحث دوم: سایر اصول بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره.....	۱۴۳
نتایج فصل چهارم.....	۱۷۸
فصل پنجم: تحلیل قواعد فقه حاکم بر مذاکرات.....	۱۷۹
مبحث اول: موارد اصول و قواعد فقهی رفتاری مذاکره.....	۱۸۰
مبحث دوم: تعامل یا تقابل قواعد فقهی و اصول حاکم بر مذاکره.....	۲۲۴
نتایج فصل پنجم.....	۲۳۱
نتیجه‌گیری.....	۲۳۲
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۳۵

فهرست مطالب تفصیلی

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
أ) بیان مسئله	۱
ب) اهمیت و ضرورت تحقیق	۲
ج) پرسش‌های تحقیق	۳
د) فرضیات تحقیق	۳
ه) اهداف تحقیق	۴
و) پیشینه تحقیق	۴
ز) روش تحقیق	۵
ح) ساختار تحقیق	۵
فصل اول: کلیات، مفاهیم و پیشینه تاریخی مذاکره	۷
مبحث اول: تبیین مفاهیم تحقیق	۸
گفتار اول: تعریف اصول و قواعد	۸
بند اول: تعریف اصول	۸
الف) تعریف لغوی	۸
ب) تعریف اصطلاحی	۹
بند دوم: تعریف قاعده	۱۰
گفتار دوم: تعریف دیپلماسی	۱۱
گفتار سوم: تعریف مذاکره	۱۳
گفتار چهارم: تعریف معاهده	۱۵
بند اول: معاهده در لغت	۱۵

بند دوم: معاهده در اصطلاح فقها.....	۱۶
بند دوم: معاهده در اصطلاح حقوق دانان	۱۶
گفتار پنجم: سفارت و سفیر موقت(مذاکره و مذاکره کننده) از منظر فقه اهل سنت	۱۷
بند اول: مفهوم شناسی	۱۷
الف) معنای اول: واسطه بین امام و رعیت	۱۷
ب) معنای دوم: مساعی جمیله و اقدامات شایسته	۱۹
ج) تحلیل تعریف	۲۵
بند سوم: وضعیت حقوقی مذاکره (سفارت موقت) در فقه اهل سنت	۲۶
بند چهارم: ماهیت سفارت موقت	۲۷
بند پنجم: انفساخ مذاکره	۲۸
مبحث دوم: بررسی پیشینه و بستر تحول تاریخی مذاکره.....	۳۰
گفتار اول: سیر پیدایش نهاد مذاکره	۳۰
گفتار دوم: سیر مذاکره در سیره نبوی	۳۱
گفتار سوم: سیر مذاکره در سیره اهل بیت(ع)	۳۳
نتایج فصل اول	۳۶
فصل دوم: تحلیل شرایط و روش های مذاکره	۳۷
مبحث اول: شرایط شکلی مذاکره با دول غیرمسلمان	۳۸
گفتار اول: اقسام مذاکره	۳۸
گفتار دوم: شکل مذاکره	۴۰
گفتار سوم: شرایط فقهی مذاکره کننده	۴۲
بند اول: شرایط عامه مذاکره کننده	۴۲
بند دوم: شناسایی و رسمیت مذاکره کننده	۴۶
گفتار چهارم: حضور شهود	۴۷
گفتار پنجم: طراحی برنامه مذاکراتی	۴۸
بند اول: ارتباط میان رهبری با گروه مذاکره کننده	۴۹
بند دوم: رابطه اعضای گروه مذاکره کننده نسبت به هم	۵۰
بند سوم: رابطه بین طرف های عملیات مذاکره	۵۲
بند چهارم: شناخت تفصیلی طرف مذاکره	۵۵

۵۶	گفتار ششم: تهیه متن و نگارش و امضای قرارداد
۵۸	بند اول: مقدمه قرارداد
۵۹	بند دوم: متن قرارداد
۶۰	بند سوم: زبان تنظیم قرارداد
۶۲	بند چهارم: تصریح در مفاد پیمان
۶۳	بند پنجم: پایان قرارداد
۶۵	مبحث دوم: اثر اسلامی یا غیر اسلامی بودن طرف مذاکره کننده بر شیوه مذاکره
۶۶	گفتار اول: روابط بین الامم و الدول از دیدگاه فقه بین الملل
۶۸	بند اول: روابط با اهل کتاب
۶۸	بند دوم: روابط با غیر اهل کتاب
۶۹	بند سوم: روابط و مذاکره با دولت معاهد
۷۳	گفتار دوم: تقسیم هنجاری جهان بر اساس دارالاسلام و دارالکفر
۷۴	گفتار سوم: عدم رعایت احکام اسلامی توسط مذاکره کننده در کشور بیگانه
۷۷	مبحث سوم: کیفیت مذاکره از منظر پیامبر اسلام(ص)
۷۹	گفتار اول: مذاکره با سفیران و نمایندگان در اسلام
۸۰	گفتار دوم: ابزارهای مذاکره در اسلام
۸۲	نتایج فصل دوم
۸۳	فصل سوم: شرایط، راهبردها و شاخصه های فقهی مذاکرات از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه ای...
۸۴	مبحث اول: شرایط مذاکره با دول غیرمسلمان از دیدگاه امام خمینی (ره)
۸۴	گفتار اول: سیاست امام خمینی (ره) در روابط با دول غیرمسلمان
۸۹	گفتار دوم: نظام بین الملل و روابط با دول غیرمسلمان
۹۱	مبحث دوم: بررسی تأثیر دیدگاه تکلیف گرایی بر مذاکرات
۹۱	گفتار اول: دیدگاه تکلیف گرایی و آثار آن
۹۱	بند اول: نظریه تکلیف گرایی
۹۲	بند دوم: تعریف تکلیف
۹۴	بند سوم: تکلیف و قدرت
۹۵	بند چهارم: انواع تکلیف
۹۵	الف) تکلیف شخصی

ب) تکلیف عمومی	۹۵
گفتار دوم: مؤلفه‌های مذاکرات تکلیف‌گرا	۹۶
بند اول: مذاکره اجتهادی	۹۶
بند دوم: مذاکره مخلصانه	۹۸
بند سوم: مذاکره فعال	۹۹
بند چهارم: مذاکره شجاعانه	۱۰۰
بند پنجم: مذاکره محتاطانه با حفظ هوشیاری	۱۰۱
مبحث سوم: شرایط و شاخصه‌های مذاکره جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری	۱۰۲
گفتار اول: پیوستگی عدالت با عقلانیت و معنویت در مذاکرات جمهوری اسلامی ایران	۱۰۲
گفتار دوم: حفظ استقلال و اقتدار	۱۰۳
گفتار سوم: تداوم سیاست نه شرقی و نه غربی	۱۰۴
گفتار چهارم: استکبارستیزی	۱۰۵
بند اول: آمریکا مظهر استکبار جهانی	۱۰۵
بند دوم: حمایت از مسلمانان جهان	۱۰۶
بند سوم: مبارزه دائمی با صهیونیست‌ها	۱۰۶
بند چهارم: دفاع از حقوق بشر	۱۰۷
گفتار پنجم: مقابله با تهاجم فرهنگی و شناخت دشمن خارجی	۱۰۸
گفتار ششم: تشکیل جامعه بین‌الملل اسلامی	۱۱۰
گفتار هفتم: مذاکره مقتدرانه نه مذاکره انفعالی	۱۱۰
گفتار هشتم: نرمش قهرمانانه	۱۱۲
نتایج فصل سوم	۱۱۵
فصل چهارم: تحلیل اصول بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره	۱۱۶
مبحث اول: اصول بنیادین سه‌گانه حاکم بر مذاکره	۱۱۷
گفتار اول: اصل عزت و سیادت اسلامی	۱۱۷
بند اول: مفهوم عزت	۱۱۷
بند دوم: مفاد اصل	۱۱۹
بند سوم: اصل عزت در قرآن و سنت	۱۲۱
گفتار دوم: اصل حکمت در ادبیات مذاکره	۱۲۳

بند اول: مفهوم حکمت	۱۲۳
بند دوم: مفاد اصل	۱۲۳
بند سوم: اصل حکمت در قرآن و سنت	۱۲۴
گفتار سوم: اصل مصلحت عقلایی	۱۲۸
بند اول: مفهوم مصلحت	۱۲۸
بند دوم: اقسام مصلحت	۱۳۶
بند سوم: ابزارهای تشخیص مصلحت توسط ولی فقیه	۱۳۷
بند چهارم: مصلحت نظام یا حفظ اسلام	۱۳۷
بند پنجم: اصل مصلحت عقلاتی در مذاکره	۱۳۸
گفتار چهارم: اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت از منظر مقام معظم رهبری	۱۳۹
مبحث دوم: سایر اصول بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره	۱۴۳
گفتار اول: اصل حفظ نظام	۱۴۳
بند اول: مفهوم لغوی نظام	۱۴۳
بند دوم: مفهوم اصطلاحی نظام	۱۴۴
بند سوم: ماهیت احکام اسلامی	۱۴۵
بند چهارم: محدوده حفظ نظام بر اساس روایات	۱۵۰
بند پنجم: تفصیل موضوع	۱۵۴
بند ششم: تأثیر و نقش اصل حفظ نظام بر مذاکره	۱۵۶
گفتار دوم: اصل عدم اعتماد در فرآیند مذاکرات	۱۵۸
گفتار سوم: اصل عدم رابطه ولایی با کفار	۱۶۰
گفتار چهارم: اصل رعایت حسن نیت بعد از مذاکره	۱۶۳
گفتار پنجم: اصل ظلم ستیزی	۱۶۳
گفتار ششم: اصل وفای به تعهدات بین المللی	۱۶۶
نتایج فصل چهارم	۱۷۸
فصل پنجم: تحلیل قواعد فقه حاکم بر مذاکرات	۱۷۹
مبحث اول: موارد اصول و قواعد فقهی رفتاری مذاکره	۱۸۰
گفتار اول: قاعده نفی سبیل	۱۸۰
بند اول: مفاد قاعده	۱۸۰

بند اول: جنبه سلبی قاعده نفی سبیل.....	۱۸۴
بند دوم: جنبه‌ی ایجابی قاعده نفی سبیل.....	۱۸۵
بند سوم: گستره قاعده نفی سبیل در مذاکره با دول غیرمسلمان.....	۱۸۹
بند چهارم: دیپلماسی استعمارزدایی در قلمرو قاعده.....	۱۹۰
بند پنجم: تأثیر قاعده نفی سبیل بر دیپلماسی.....	۱۹۴
گفتار دوم: قاعده ضرورت(عنوان اولی) و اضطرار(عنوان ثانونی).....	۱۹۵
بند اول: مفهوم قاعده.....	۱۹۵
بند دوم: مقایسه‌ی مفهوم اضطرار و ضرورت.....	۱۹۷
الف) دیدگاه اول.....	۱۹۷
ب) دیدگاه دوم.....	۱۹۷
بند سوم: مذاکره؛ امری اضطراری یا امری ضروری.....	۱۹۸
گفتار سوم: قاعده لا ضرر.....	۱۹۹
گفتار چهارم: قاعده نفی عسر و حرج.....	۲۰۰
گفتار پنجم: قاعده میسور.....	۲۰۱
گفتار ششم: قاعده صلح.....	۲۰۴
گفتار هفتم: قاعده لزوم.....	۲۰۹
گفتار هشتم: قاعده تراحم (اهمّ و مهم).....	۲۰۹
گفتار نهم: قاعده دفع افسد به فاسد.....	۲۱۲
گفتار دهم: قاعده تألیف قلوب.....	۲۱۳
گفتار یازدهم: قاعده مقابله به مثل و تناسب رفتاری.....	۲۱۵
گفتار دوازدهم: قاعده تقیه.....	۲۱۸
گفتار سیزدهم: قاعده الزام.....	۲۲۰
گفتار چهاردهم: قاعده مکتوب بودن مذاکره.....	۲۲۲
مبحث دوم: تعامل یا تقابل قواعد فقهی و اصول حاکم بر مذاکره.....	۲۲۴
گفتار اول: تعامل یا تقابل اصل عزت.....	۲۲۴
گفتار دوم: تعامل یا تعامل اصل مصلحت.....	۲۲۵
گفتار سوم: تراحم و تعامل قاعده نفی سبیل.....	۲۲۷
گفتار چهارم: تعامل یا تقابل اصل حفظ نظام.....	۲۲۸

گفتار پنجم: تعامل یا تقابل اصل وفای به عهد.....	۲۲۹
گفتار ششم: تعامل یا تقابل اصل تألیف قلوب	۲۲۹
نتایج فصل پنجم:	۲۳۱
نتیجه‌گیری	۲۳۲
فهرست منابع و مآخذ.....	۲۳۵
الف) منابع عربی	۲۳۵
ب) منابع فارسی	۲۴۰

مقدمه

أ) بیان مسئله

با شکل‌گیری جامعه و حکومت اسلامی از عصر پیامبر(ص) تاکنون، ضرورت‌ها و مسائل مختلف و متعددی در حوزه حکومت و دولت پیش روی نظام سیاسی اسلام قرار گرفته که تعیین تکلیف و صدور حکم در این زمینه از چالشی‌ترین مسائل فقه بین‌الملل تلقی می‌شود. از جمله مهم‌ترین این مسائل، مذاکره با دولت‌های غیرمسلمان و به اصطلاح مذاکرات برون دینی است. اگرچه این مسئله در صدر اسلام و مقارن با عصر تشریع صورتی ابتدایی داشت؛ اما با پیشرفت جوامع و تغییر ساختارهای سیاسی و تحولات دولت و حکومت، پیچیده‌تر شد؛ تا جایی که امروزه در عرصه روابط بین‌الملل، نهادهایی مانند وزارت خارجه، سفارت‌خانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفته‌اند. وظیفه این نهادها، شکل‌دهی و مدیریت تعامل دولت‌ها با یکدیگر است. مهم‌ترین کانال تعامل دولت‌ها و کشورها با یکدیگر فرآیند مذاکره است. طبیعتاً در فرایند تعامل و مذاکره دولت‌ها با یکدیگر به‌حسب برخی شرایط و عوامل، مسائل و سؤالات متعددی برای مذاکره‌کنندگان مطرح می‌شود؛ عواملی مانند موضوع مذاکره، طرف مذاکره، زمان و مکان مذاکره، هدف مذاکره، ویژگی‌های فردی مذاکره‌کنندگان، شکل جلسه مذاکره، محدودیت‌های مذاکره، عوامل خارجی و حوادث مقارن با مذاکره، شروط مذاکره، سطح مذاکرات و مذاکره‌کنندگان، اهمیت مسئله مورد مذاکره و چگونگی موضع دولت اسلامی در مذاکره.

هرچند پاسخ برخی از مسائل در فقه ناظر به احکام شخصیت حقیقی و فردی فارغ از وضعیت‌های خاص بیان شده باشد اما بستر مذاکره و توجه به مصالح و ضرورت‌ها می‌تواند مؤثر در حکم نهایی مسئله باشد؛ آنچه در بحث دست دادن با دیپلمات‌های زن غیرمسلمان یک‌بار موضوع بحث فقهی قرار گرفت مسئله حجاب، مسئله وجود مشروبات الکلی در جلسات، مسئله تراحم زمانی جلسات با اوقات شرعی، مسئله رعایت طهارت و نجاست محل به عبادات مذاکره‌کنندگان، مسئله جواز تصدی زنان برای انجام مذاکره، مسئله طرح شرط‌های خلاف شرع یا خلاف سیاست‌های نظام از سوی طرف غیرمسلمان و... مسئله‌هایی از این دست حساب می‌آیند. از آنجاکه علم فقه و نهاد فقاها متکفل تعیین حقوق و تکالیف

در حوزه‌های مختلف است، لاجرم باید پاسخ این مسائل - و به عبارت دیگر فقه حاکم بر مذاکره - نیز از منابع فقهی استخراج شود و چارچوب مشخصی برای هیئت‌های مذاکره‌کننده با توجه به جوانب مختلف ترسیم گردد. اهمیت این مسئله در کشور ما نیز کاملاً روشن است؛ طوری که در چندساله اخیر بررسی، نقد و تحلیل فرآیند مذاکرات به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رجال علمی، سیاسی، مذهبی و ملی کشور تبدیل شده و البته محل اختلاف بسیاری از صاحب‌نظران است. به نظر می‌رسد دلیل عمده این اختلافات عدم وجود یک مجموعه فقهی ناظر به احکام مذاکرات و معاهدات است؛ امری که نهایتاً به اعمال سلیقه‌های فردی و مواضع مقطعی و اکتفا به کشف مصالح و ضرورت‌های موردی و جزئی منجر می‌شود. این ادعا که مسائلی از این دست مبتنی بر هوش رفتاری و کیاست شخصی است و نیاز به چارچوب فقهی ندارد، از نظر این پژوهش مردود است. لذا ضروری است با بررسی دقیق‌تر و موردی مسائل مختلف و تحلیل فقهی آن‌ها از زوایای متعدد، «فقه مذاکره» در اختیار متکفلین قرار داد تا در فرآیند مذاکرات موردتوجه قرار گرفته و راه گشا باشد البته با این نگاه و هدف‌گذاری، مواضع یا تذکرات فقها - ازجمله رهبری نظام - در این زمینه به‌عنوان یک افتا در زمینه روابط دیپلماتیک و فرایند مذاکرات تلقی خواهد شد.

ب) اهمیت و ضرورت تحقیق

مذاکره، یکی از روش‌های دیپلماسی است که در دوران معاصر رونق فراوان یافته است. مصالح و مفاسد، ضرورت‌ها، اهداف، طرف مذاکره، بازخوردهای بین‌المللی، و... موجب شده است تا در مورد مذاکره جامعه اسلامی با دشمنان، اختلاف‌نظراتی به وجود بیاید. امروزه «مذاکره» در رویه دیپلماسی کشورها در نظام بین‌الملل، رونق زیادی یافته است. بسیاری از تعاملات بین‌المللی، جنگ سرد و جنگ‌های نظامی، متأثر از مذاکراتی است که کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر دارند. در واقع، سرنوشت بسیاری از رویدادهای سیاسی جهان در مذاکرات تعیین می‌گردد. اهداف مذاکرات سیاسی و نسبت قدرت دو طرف مذاکره‌کننده، به‌علاوه بازخوردهای بین‌المللی، همواره دغدغه‌هایی را برای انجام مذاکره، کم و کیف آن یا صرف‌نظر از آن، در کشورها ایجاد می‌کند. در مورد جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی همواره مذاکره در سطوح و با دولت‌های مختلف به یک مسئله در فقه بین‌الملل تبدیل شده است که اختلافات بسیاری در مورد کم و کیف آن، در میان صاحب‌نظران و متولیان سیاست، و نظریه‌پردازان در دستگاه حاکمیت وجود دارد. این اختلافات، آن‌گاه جدی‌تر می‌شود که بین عرف بین‌الملل و ضرورت‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی، تعارض ظاهری مشاهده شود. این اختلاف‌نظرها، آن‌گاه دوچندان می‌شود که طرف مذاکره، خوی استکباری داشته باشد و یا در ظاهر، متمدن و قانونمند رفتار کند، ولی در نهان سیاست‌های سلطه‌گری را دنبال نماید و اصولاً به دنبال توافق نباشد، بلکه به دنبال تثبیت موضع خود

باشد، هرچند عقیده دینی و منافع ملی کشور مقابل نادیده انگاشته شود. به دولتی با این ویژگی، در این تحقیق «دشمن» اطلاق می‌شود. بارزترین مصداق آن کشور آمریکاست. با توجه به ضرورت‌ها، مصالح و مفاسد، اهداف و... تحقیقی پیرامون اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی با دول غیرمسلمان، می‌تواند مفید واقع شود.

ج) پرسش‌های تحقیق

سؤال اصلی:

- اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکره با دول غیرمسلمان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. آیا مسئله ارتباط با سایر دول و ملل و اقدام به مذاکره با ایشان از منظر شریعت اسلام جزء امور منوط به اضطرار و جهت رفع معضلات و مبتنی بر مصالح مقطعی است یا اینکه امری متعارف و به‌عنوان اصلی اولیه محسوب می‌گردد؟
۲. آیا قوانین و قواعد فقهی مشهور در زمینه تعامل با کفار (مانند قاعده نفی سبیل و احکام دارالحرب نجاست کفار و ...) می‌توانند پاسخ‌گوی مشکلات متعدد مذاکره‌کنندگان - در فرآیند پیچیده مذاکرات در عصر حاضر - باشند؟
۳. آیا اقدام به مذاکره در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و... از قواعد واحدی تبعیت می‌کنند یا تکلیف هر حوزه، از احکام و قواعد ویژه‌ای استخراج و استنباط می‌گردد.
۴. در موارد تعارض و تراحم احکام و یا تضاد فتاوا، مذاکره‌کنندگان بر اساس چه معیاری باید تکلیف شرعی خود را انجام دهند؟

د) فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی:

- اصول و قواعد فقهی زیادی را می‌توان یافت که با مسئله مذاکره مرتبطاند همانند قاعده نفی سبیل، قاعده الزام، قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، قاعده مقابله به‌مثل، قاعده وفای به عهد، قاعده مصلحت، قاعده اضطرار، قاعده ضمان و... اگرچه برای توضیح رابطه قواعد بعضاً باید به عمومیت یا اطلاق قواعد تمسک نمود لکن اصل تأثیر این قواعد در روند مذاکره در دو بعد شکلی و ماهوی غیرقابل انکار به نظر می‌رسد.

فرضیات فرعی:

۱. با توجه به تعاملات پیامبر(ص) با کفار و پیروان سایر ادیان و حکومت‌های آن دوره و وجود اسناد مسلم تاریخی از مذاکرات ایشان و نیز آیات قرآنی ناظر به روابط با غیرمسلمانان ارتباط با سایر دول امری متعارف و به‌عنوان حکم و اصل اولی تلقی می‌گردد.
۲. اکتفاء به تقسیم‌بندی‌های احکام بر اساس کافر و مسلمان، دارالکفر و دارالاسلام و قواعدی مانند نفی سبیل و... به‌تنهایی پاسخگویی به همه مشکلات را در مذاکرات دشوار می‌سازد ولی این عوامل همراه با آیات ناظر به روابط با غیرمسلمانان و میراث فقهی و اصولی موجود می‌تواند به بخش اعظم مشکلات و بلکه همه آن‌ها فائق آید.
۳. قواعد فقه و احکام شرعی در زمینه مذاکرات به‌حسب موضوع، هدف، شرایط افراد و... متنوع‌اند و احکام عامی که دربرگیرنده تمام حوزه‌ها باشند، نادرند.
۴. برخی شرایط حاکم بر فرآیند مذاکره از مصادیق قطعی اضطرار، اکراه یا تراحم‌اند که می‌توانند منجر به احکام ثانویه شوند یا با کشف اهم و مهم - با توجه به مصالح کلان و فتوای معیار در عرصه سیاست - اولویت یابند. اختیارات مذاکره‌کنندگان تابعی از نحوه اذن آن‌هاست. هرچند در مجموع فتوای معیار عبارت است از اظهارنظر و حکم ولی فقیه در مسئله مورد ابتلا.

ه) اهداف تحقیق

- تحلیل و بررسی اصول و قواعد فقهی حاکم بر مذاکرات دولت اسلامی
- تبیین تأثیر دیدگاه تکلیف‌گرایی و خطابات قانونی امام خمینی بر مذاکرات
- استخراج و استنباط راهکارهای فقهی در معضلات فرآیند مذاکره
- تدوین و ارائه منبع مستقل، منسجم و جامع در این زمینه جهت استفاده دانشجویان، پژوهشگران و ...

و) پیشینه تحقیق

پس از جستجو و تحقیق در این زمینه کتاب، مقاله و پایان‌نامه مشخصی که دقیقاً در مقام تبیین احکام مذاکره و مذاکره‌کنندگان باشد به دست نیامد؛ هرچند نوشته‌هایی با عنوان سیره پیامبر(ص) در تعامل با کفار و ادیان و نیز آثاری با هدف تبیین رابطه فقه و حقوق بین‌الملل و... تدوین شده‌اند. برخی تألیفات نیز در حوزه احکام معاهدات دولت در اسلام و نیز بررسی فقهی و حقوقی برخی از انواع خاص قراردادهای مثل نفت و اکتشاف معادن و صنعت موجود می‌باشند؛ اما هیچ‌کدام به مسأله موردنظر این

پژوهش یعنی اصول و قواعد فقهی حاکم بر مشکلات مذاکرات و مذاکره‌کنندگان نپرداخته‌اند. زاویه دید فقهی به مسأله مذاکره ویژگی این پژوهش است که آن را با نوشته‌هایی با مذاق سیاسی و اعتقادی متفاوت می‌سازد؛ مانند اصول حاکم بر معاهدات بین‌المللی که در دانشگاه آزاد تهران و توسط آقای برارپور دفاع شده است. پایان‌نامه ارشد آقای سعید جلیلی نیز با عنوان سیاست خارجی پیامبر که در دانشگاه امام صادق دفاع شده از زاویه علوم سیاسی و تحلیل رفتارها و ابزارها و اهداف با طعم سیاست‌مدارانه تدوین شده است اگرچه برخی استنادات ایشان به اقدامات پیامبر به حوزه فقهی نزدیک می‌شود. نیز مقاله‌ای از مرحوم آیت‌الله دکتر عمید زنجانی در این زمینه به چاپ رسیده که بیشتر دارای بعد تاریخی بوده و درصدد اثبات اصل توجه به مذاکره در سیره نبوی است.

ز) روش تحقیق

از آنجایی که بحث و بررسی پیرامون موضوع تحقیق بر مبنای به دست آوردن آرا و تحلیل آن‌ها استوار است؛ بنابراین، تحقیق حاضر به صورت جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری آراء، عقاید و نظرات مختلف فقها، حقوق‌دانان و محققین در این خصوص و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشد. فلذا، نوشتار حاضر در زمره تحقیقات نظری است. به عبارتی، نوعی پژوهش نظری - کاربردی است که از روش‌های استدلال و تحلیل فقهی حقوقی استفاده می‌کند. با توجه به اینکه موضوع تحقیق از حیث نحوه عمل، ماهیتاً کتابخانه‌ای بوده و متکی بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای است، لذا روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای می‌باشد. شایان ذکر است که روش تجزیه و تحلیل اطلاعات عبارت از بررسی و تأمل در آرای فقها و حقوق‌دانان و تجزیه و تحلیل این آراء و مقایسه آن‌ها با یکدیگر است.

ح) ساختار تحقیق

رساله حاضر در پنج فصل سامان یافته است با این توضیح که در فصل اول به تبیین مفاهیم تحقیق اصول و قواعد، دیپلماسی، مذاکره، معاهده و سفارت و سفیر موقت (مذاکره و مذاکره‌کننده) در فقه اهل سنت و پیشینه و بستر تحول تاریخی مذاکره پرداخته شده است. در فصل دوم شرایط شکلی مذاکره با دول غیرمسلمان، اثر اسلامی یا غیر اسلامی بودن طرف مذاکره‌کننده بر شیوه مذاکره و کیفیت مذاکره از منظر پیامبر اسلام (ص) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. فصل سوم به واکاوی شرایط، راهبردها و شاخصه‌های فقهی مذاکرات از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای پرداخته است. در فصل چهارم با عنوان تحلیل اصول بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره، اصل عزت و سیادت اسلامی، اصل حکمت در